

### به کجا می‌رویم

در یک روز سرد پاییزی، بنشسته زیر یک درخت بی‌برگ، سعی کردم تمام شاخه‌ها و سرشاخه‌ها و تارک هر یک را بینم که نشد. سعی کردم تصویری از یک روز بهاری این درخت را با شکوفه‌های فراوان آن و رسیدن میوه‌های زیبایش در ذهن ترسیم کنم. هم می‌شد و هم نمی‌شد. گفتم کاش نقاش خوبی بودم و آنچه در ذهن داشتم بر قلم روا می‌داشتم. به خود گفتم: به هر حال با امید و تلاش، موظف به انجام وظیفه باش و هرگز چشم به نتیجه دلخواه نداشته باش و اگر نمی‌توانی نقاش خوبی باشی، امید است باغبان کامیابی گردی. ده سال از کاشت نهال میراث مکتوب گذشت. هر چند مشک آن نیست که عطار بگوید (آن آثارنا تدلّ علینا) که در و همسایه می‌گویند، بوی ۱۴۰ شیشه عطر و گلاب کوچک و بزرگ با انواع رایحه‌ها به مشام می‌رسد. و از آنجا که:

بِقَدْرِ الْكَمِّ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي وَ مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَحَرَ اللَّيَالِي

هر اندازه که کوشش شود، تعالی و برتری حاصل می‌شود و آن کس که طالب بلندی است، شب را به سحر می‌پاید و می‌پوید. گفتم قلم دست بگیرم و نقشه ده سال دوم میراث مکتوب را اتود کنم و سیاهه آن را بکشم. حال که معاونت پژوهشی وزارت علوم و فناوری، مجله آینه میراث را به رتبه علمی ترویجی ارتقاء داده و مرکز را جزء مؤسسات پژوهشی شناخته و چند گروه پژوهشی برای آن تصویب کرده و اکنون که پس از ده سال تلاش، این مرکز در انتظار و انتظار اهل علم، جایگاهی شایسته و قابل اتکاء پیدا نموده، کوشش برای بازنگری در کم و کیف و عملکرد آن و طرحی نو در انداختن برای آینده‌ای دیگر، مورد توقع همگان است. پس چه باید کرد؟ زمینی هموار است و زمینه‌ای فراهم، گروهی دست به دست هم داده‌اند تا از ریشه‌های عریق و عمیق این شجره کهنسال میراث، با بهره‌های بسیارش، میوه‌هایی در سبد علمی اهل آن قرار دهند. - ایدون باد -

بی شک راه تکامل و تعالی پیمودن و مدّعی آن بودن، بدون «نقد حال خویش» ممکن نبوده و نیست. برگزاری ۲۹ نشست علمی در یکی دو سال گذشته، باعث شده که در چاپ و نشر و تصحیح و تحقیق متون و آثار در دست، بازنگری شود، بررسی کار محققان کوچک و بزرگ دوچندان شود، نمونه‌خوانی دو سه برابر گردد تا آثار، هم غلط مطبعی کمتر و کمتر داشته باشد و هم در روش تصحیح و تعلیق، قابل دفاع‌تر و معتبرتر شود. شاید بتوان ادعا کرد، همین شماره نشریه کم غلط‌ترین باشد نسبت به شماره‌های قبل؛ منظورم غلط مسلم مطبعی است نه غلط اعرابی یا ویرایشی سلیقه‌ای - و این حاصل کوششی است نو برای بهبود کارهای پژوهشی مرکز. و شاید اگر این نگرش نبود، حداقل ده اثر جدید تاکنون چاپ و نشر شده بود و در نوبت اصلاح و تجدید نظر نمی‌ماند. البته کم لطفی همراهان علمی و کثرت مشغله آنان در تحویل بموقع کارها، باعث بدقولی ما به طرفهای قرارداد و رنجش خاطر مبارکشان شده، تا جایی که رنجیده حالی کم شکیب، عنان از کفش رها شد و داد و فریاد بر سر همکاران پرکار و صبور واحد تولید برکشید و در پی نواخت بیشتر بود که آجل مهلتش نداد و...

باری! هر راه که در پیش‌گیری، تقدیر خاص آن را پیش روی داری. گاه به اقتضای ایام شباب، نهج شتاب را سیر می‌کنی، با نقد اهل حوصله و تدقیق مواجه می‌شوی، گاه دیگر که می‌خواهی مسلک دقت پیشگان کم‌کار را نصب‌العین قرار دهی، پاشنه در میراث کنده می‌شود و اهل رساله و خبر، حدیث «المؤمن اذا وعد وفا» را در صندوق پستی یا صندوق الکترونیکی می‌اندازند و تهدید به فسخ قرار و نقض عهد می‌کنند و لاجرم بهری از وقت را باید صرف توضیح و توجیه و طلب عفو و... اختصاص دهی.

به هر حال، ما بر عرصه این سفینه نشسته‌ایم و با علم به طوفانهای وزان و امواج لرزان آن، برای وصول به ساحل امید و حصول به اهداف خوش نوید، برنامه‌های ده سال دیگر را پی‌ریزی می‌کنیم تا قسطی از دین خود را به اسلاف افتخار آفرینمان ادا کنیم و با بکارگیری نیروهای بالقوه، منشأ خدمات علمی برای جامعه خود باشیم.

چندی است که طرح تدوین و تألیف مجموعه‌ای به نام «ارج نامه» محققان و مصححان و فهرست‌نویسان راه اندازی شده و قرار است شرح حال و توصیف آثار و بررسی روشهای تصحیح و تحقیق برخی کارهای بزرگان، طبق آیین‌نامه مصوّب در کتابی گردآوری شود تا هم یادی از آنها شود و هم بینش و نگرش علمی و حرفه‌ای آنان به متون برای علاقه‌مندان بازکاوی گردد و به نوعی تاریخچه روش‌های تحقیق و تصحیح متون، در این مجموعه توضیح داده شود. سرامدان این مجموعه مرحوم علامه محمدخان قزوینی، بدیع‌الزمان فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی و... می‌باشند که امید است پس از اتمام تألیف هر یک، بتوان مراسم بزرگداشتی هم برای آنان برگزار کرد.

طرح کلان دیگری که یکی دو سال است در جریان است و مراحل مطالعاتی خود را طی

می‌کند، برنامه‌ریزی برای شناسایی و احیای آثار ارزشمند فارسی در کشورهای همسایه است: میراث فرهنگی مشترک ایران و شبه قاره هند و پاکستان، میراث فرهنگی مشترک ایران و ماوراء النهر، میراث فرهنگی مشترک ایران و ترکیه (عثمانی قدیم)، وجود دهها هزار نسخه خطی فارسی در ترکیه (در مرتبه اول از لحاظ تعداد) و دهها هزار نسخه خطی در شبه قاره هند و پاکستان (در مرتبه دوم) به معنای این است که بخشی از هویت تاریخی، در نهاد و نهاد این گنج مکتوب ناشناخته مانده و بر ماست که با دستداران این میراث مشترک در سراسر جهان، دست در دست هم دهیم به مهر تا این میراث عظیم را آباد و احیا کنیم، برای تحقق این هدف با استادان زبان فارسی و مراکز علمی کشورهای یاد شده به بحث و گفت و گو نشستیم و این راه را ادامه می‌دهیم.

و نیز از برنامه‌های کلان مرکز پژوهشی میراث مکتوب باید اشاره کرد: توسعه نشستهای نقد و بررسی کتاب در برخی دانشگاههای شهرستانها، برگزاری همایشهای علمی و بزرگداشتها با مشارکت مؤسسات علمی و دانشگاهی سراسر کشور، حمایت از چاپ متونی که ناشران شهرستانی با هماهنگی این مرکز منتشر می‌کنند، تشکیل انجمن دستداران میراث مکتوب برای ترویج فرهنگ مشارکتهای ملی و تشویق علاقه‌مندان به احیای میراث فرهنگی و مکتوب کشور، عقد تفاهنامه‌های علمی با مؤسسات علمی داخل و خارج که در سال جاری حدود ده تفاهنامه به امضا رسیده است.

از جمله برنامه‌های کلان مرکز، تلاش برای ایجاد تمرکز در اطلاع رسانی متون چاپی و نسخ خطی که برای این کار فهرستی از متونی که تاکنون چاپ شده اعم از رساله و کتاب (بیش از ده هزار عنوان) تهیه شده و در شبکه اینترنت قرار خواهد گرفت. همچنین طی ده سال آینده برنامه رایانه‌ای متن تمامی فهراس نسخ خطی موجود در ایران (و دیگر کشورها)، تهیه و در شبکه جهانی برای استفاده رایگان همگان انجام خواهد شد - إن شاء الله -

در طول ده سال آینده، طرح چاپ نسخه برگردان (فاکسیمیله) نسخه‌های مهم با مشارکت کتابخانه‌های داخل و خارج، تهیه و اجرا خواهد شد، چیزی شبیه کاری که آقای فؤاد سزگین در مرکز تحقیقات دانشگاه فرانکفورت انجام داده و تصویر دهها نسخه خطی عربی را منتشر کرده است.

طی ده سال آینده، پژوهش روی متون مهم تاریخی، ادبی، علمی،... علاوه بر تحقیق و تصحیح متون که جای خود را دارد، انجام خواهد شد. جا دارد تحقیقات روش شناختی و جامعه شناختی روی بسیاری از متون انجام شود، چنانکه باید روی کتابشناسی و نسخه‌شناسی آثار برخی بزرگان علمی این فرهنگ پرمایه کارهایی صورت پذیرد و جا دارد... و ماییم با هزار امید و فکر و طرح که - البته - تا خدا را داریم، غم نداریم و تا دوستانی داریم عاشق، که چیزی کم نداریم و آموخته‌ایم که «خود راه بگویدت که چون باید رفت» چنانکه او فرموده است. «إِنْ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّكُمْ سُبُلَنَا»